

درسنامه آموزشی فارسی کلاس ششم درس چهارم: داستان من و شما با پاسخ

من هم مانند شما، موجودی زنده هستم و زندگی من، فراز و فرودها و داستانی طولانی دارد؛ درست مثل زندگی خود شما. البته این را هم بگویم که عمر من بسیار طولانی تر از زندگی شماست. داستان زندگی من از همان آغاز تاریخ میهن عزیزمان، ایران، شروع شده است و همچنان با شور و شادابی ادامه دارد.

من با همه‌ی مردم مهربان ایران، همراهی کرده ام و بر زبان همه‌ی آنان جاری بوده ام. هر ایرانی با آواهای دلنشین و نغمه های مهربانی من، پرورش مییابد و بزرگ می‌شود. افتخارهایی که شما فرزندان مهربان، با تلاش و کوشش خود می‌آفرینید، باعث سربلندی و اعتبار من می‌شود. بزرگی و عظمت من و شما به این است که با هم، کنار هم و نگاهبان هم باشیم. در طول تاریخ، فرزندان بی شماری با من بزرگ شده اند و به یاری پروردگار دانا، افتخار آفریده اند. حتما دریافتید که مقصودماز این فرزندان عزیز، چه کسانی هستند!

آری، همه‌ی آن بزرگان علم و ادب، فرزندان من هستند؛ فرزندان من که بر شکوه و شوکت وطن و من افزوده اند. من در طول تاریخ، رویداد های بی شماری را دیده ام و بسیاری از آنها را به شکل نوشته، برایتان نگاه داشته ام. من شاد دلاوری ها و پهلوانی های فرزندان خود بوده ام و شکست ها و پیروزی ها را دیده ام. گاهی دشمنان به هر سه‌ی ما (وطن، شما و من) تاخته اند؛ اما به یاری خدای بزرگ، همه با هم، همچنان پا بر جا و استواریم. گاهی با کسان دیگر، دوستی کرده ایم و پیمان محبت، بسته ایم و با این کار بر قدرت و توان خود افزوده ایم.

بی گمان تا اینجا پی برده اید که من کیستم. آری، گمان شما درست است؛ نام من فارسی است؛ زبان فارسی. همان که اینک جلوی چشم شما روی صفحه‌ی کتاب بر سر زبانتان است.

اکنون بگذارید خودم را کمی بیشتر به شما معرفی کنم. من، چند چهره دارم: یکی آوا و صدا که در گفتار ظاهر می‌شود و شما با گوش دادن، آن را می‌فهمید. چهره‌ی دوم، «خط» است که در نوشتار آشکار می‌شود و شما به کمک چشم و از راه دیدنبا آن آشنا می‌شوید و آن را درک می‌کنید.

گاهی نیز به جای گفتن و نوشتن به شکل اشاره به کار گرفته می‌شوم.

اکنون دلم می‌خواهد کمی درباره‌ی چهره‌ی دوم خودم برایتان بگویم؛ چون این چهره در طول تاریخ، گرفتار سلیقه ها شده و تغییرات و چندگانگی هایی را پیدا کرده است. هر کلمه یا واژه، پاره ای از پیکر من است. هر واژه، تلفظ، معنی و معمولا یک شکل نوشتن دارد. برخی واژه ها یا کلمه ها، دو تلفظ یا دو شکل و دو یا چند معنی دارند. تلفظ و معنی را فعلا رها می‌کنم و از شکل نوشتاری خودم برایتان نمونه هایی بیان می‌کنم که هر دو شکل نوشته، درست است؛ مثلا لانه‌ی پرنده یا لانه^۱ پرنده، کتاب خانه یا کتابخانه، مهربان تر یا مهربانتر، گلدان ها یا گلدانها و ...

دوستان خوب، همانطور که دیدید و دقت کردید، اگر چه شیوه‌ی نوشتن این واژه ها کمی با هم فرق دارد، تلفظ و معنای آنها یکسان است و هیچ تفاوتی باهم ندارد.

من پیوسته بر زبان شما جاری هستم و با گوش، چشم، ذهن، و بلکه با جانتان همراهم. شما نیز بکوشید که همواره با هم و نگاهبان میهن باشیم.

وطن، خانه‌ی شماست و من عامل پیوستگی و اتحاد همه‌ی اعضای این خانه‌ام. شناسنامه و سند شناخت شما در هر جای ایران و در هر گوشه‌ی جهان، زبان ملی ایرانیان، یعنی زبان فارسی است.

اکبری شلدره

درک مطلب (صفحه 34 کتاب درسی)

۱- مقصود از «آواهای دلنشین» و «نغمه‌های مهربانی» چیست؟

یعنی آهنگ‌هایی که در دل می‌نشینند و «نغمه‌های مهربانی» یعنی آواها و ترانه‌های محبت و مهر که همان اشعار و متون زیبای زبان فارسی هستند.

۲- چرا، زبان، موجودی زنده معرفی شده است؟

چون هر زبانی فراز و فرود‌هایی دارد و در طول زمان می‌تواند بر سایر زبان‌ها تاثیر بگذارد یا تاثیر بپذیرد و تغییر و تحول داشته باشد. اگر از زبان حفظ و نگهداری نشود می‌تواند حتی به مرگ زبان ب‌انجامد.

۳- شما چه راه‌هایی را برای نگاهبانی از زبان فارسی پیشنهاد می‌کنید؟

جلوگیری از ورود واژه‌ها و لغت‌های زبان‌های دیگر به زبان فارسی، ممانعت از ترجمه‌های شتابزده سطحی و بدون شناخت زبان، یافتن معادل‌های مناسب برای لغت‌های وارد شده به زبان فارسی، انتقال فرهنگ و زبان فارسی به دیگر کشورها

۴- به نظر شما، زبان فارسی چه نقشی در وحدت و یکپارچگی ملت ایران دارد؟

واژه آموزشی (صفحه 35 کتاب درسی)

یکی از نشانه‌های جمع بستن واژه‌ها در زبان فارسی، افزودن نشانه «ان» به پایان کلمه هاست؛ مانند

کلمه‌ی مفرد	نشانه‌ی جمع	کلمه‌ی جمع
دوست	+ ان	دوستان
دشمن	+ ان	دشمنان
فرزند	+ ان	فرزندان
ایرانی	+ ان	ایرانیان

توجه: همیشه این گونه نیست که به سادگی، نشانه‌ی جمع «ان» به واژه‌ها بپیوندد و بدون هیچ تغییری، کلمه‌ی جمع ساخته شود. در برخی از واژه‌ها، تغییراتی به وجود می‌آید تا شکل جمع به دست آید. به نمونه‌های زیر دقت کنید:

کلمه‌ی مفرد	نشانه‌ی جمع «ان»	کلمه‌ی جمع
ستاره	ان	ستارگان
پرنده	ان	پرندگان
واژه	ان	واژگان
بیگانه	ان	بیگانگان

حکایت (صفحه 36 کتاب درسی)

علم و عمل

دو کس، رنج بیهوده بُردند و سعی بی فایده کردند
 یکی آن که اندوخت و نخورد و دیگر آن که آموخت و نکرد
 علم، چندان که بیشتر خوانی
 چون عمل در تو نیست، نادانی
 نه محقق بود نه دانشمند
 چارپایی، بر او کتابی چند
 آن تهی مغز را چه علم و خبر
 که بر او هیزم است یا دفتر؟

گلستان سعدی، باب هشتم

از نظر سعدی، دانشمند واقعی کیست؟ از نظر سعدی، دانشمند واقعی کسی است که به آموخته‌های خود عمل کند.